



پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۴شماره ۸۹۰۲

irannewsapperirannewsapper



زایش انسان سیاسی

تأملی در آرا و آثار **هانا آرنت** در پنجاهمین سال درگذشتش

اندیشه سیاسی

علیرضا پیروان

دکترای مطالعات فرهنگی

هانا آرنت (۱۹۷۵-۱۹۰۶) را باید با سه محور تکرارشونده در نوشته‌هایش شناخت: «جهان مشترک» (Common World)، مفهوم «زندگی فعال» (vita activa)، و کاوش در پیوند میان توانایی تفکر و امکان کنش اخلاقی-سیاسی. این محورها نه صرفاً مفاهیم نظری‌اند که در یک «واحد فلسفی» پرداخته شده باشند؛ بلکه ابزارهایی‌اند برای خواندن تاریخ سده بیستم. تمامیت‌خواهی، بحران وضعیت شهروندی، و تجربه تبعید-و نیز آیین‌های که ما را به‌عنوان انسان‌های سیاسی در برابر یکدیگر قرار می‌دهند.

ظهور انسانی در جهان مشترک

آرنت میان دو حوزه تمایز قاطع قائل می‌شود: عرصه خصوصی، که محل زیست، نیازها و خانواده است، و عرصه عمومی، بخشی از جهان مشترک که محل ظهور انسان به‌عنوان فاعل سیاسی است. آنچه او «ظهور»

(appearance) می‌نامد، زمانی ممکن است که انسان‌ها در برابر هم ظاهر شوند، سخن بگویند و عمل کنند. جهان مشترک، نه‌تنها فضای گفت‌وگوست، بلکه محیط نگهدارنده آثار و نهادهایی است که ما را از مخاطرات فراموشی تاریخی و انزوای فردی محافظت می‌کند. این تأکید بر «میان‌بودگی» (in-between) نشان می‌دهد که سیاست فراتر از زندگی ابزاری یا صرفاً مدیریت امور است؛ سیاست شیوای از بودن انسانی است که در آن ما «در جهان» شریک می‌شویم و جهان را می‌سازیم.

ساخت جهان و آغاز نو

شاید مهم‌ترین سهم آرنت در فلسفه سیاسی، بازخوانی مفهوم «زندگی فعال» و سه گونه عمل انسانی باشد: کار (labour)، ساخت (work)، و کنش (action). «کار» مربوط به فعالیت‌های چرخه‌ای روزیستی انسان است که برای تأمین نیازهای روزمره و بقای فرد ضروری‌اند؛ «ساخت» تولید اشیاء و جهان مادی مشترک است؛ و «کنش» جایی است که انسان‌ها از خلال گفت‌وگو و اقدام مشترک، هویت و آزادی سیاسی را محقق می‌کنند. نکته روشن‌گرانه آرنت این است که «کنش» عرصه «ظهور» است و از طریق «زایش»

(natality) انسان‌ها تحقق می‌یابد؛ یعنی هر انسانی با تولد دوباره‌اش ظرفیت نوآوری و کنش سیاسی در جهان مشترک را به وجود می‌آورد و این همان منبع امید و خطر در سیاست است.

خوانش تاریخی-سیاسی توتالیترسیم

آرنت در «خاستگاه‌های توتالیترسیم/The Origins of Totalitarianism» (۱۹۵۱) نوآوری و کنش سیاسی در جهان مشترک را به وجود می‌آورد و این همان منبع امید و خطر در سیاست است. صرفاً شکلی از حکومت نیست، بلکه پروژه‌ای برای نابودی جهان مشترک است: حذف کثرت، ایجاد تنهایی سیاسی، مکانیزه کردن انسان‌ها و بازتولید «انزوی جمعی». تحلیل او از پدیده بی‌تابعیتی و فرآیندی اجتماعی-روانی از دل بی‌ثباتی‌ها و اضطراب‌های مدرن زاده می‌شود. قدرت اصلی کتاب در نشان دادن شکنندگی نهادهای سیاسی و فهم اینکه خشونت سیاسی چگونه می‌تواند شکل «قانونی» و «فنی» به خود بگیرد است. اگرچه آرنت گاهی تاریخ را بیش از حد فشرده و هموار می‌خواند، روش او در تبیین سیاست به مثابه فرآیند نهی‌سازی از جهان مشترک، اثرگذار باقی می‌ماند.

نقد فرآیند عادی شدن شر

وقتی آرنت از «ابتدال شر» سخن می‌گوید، منظورش از توصیف آیشمن متها قرار دادن او در ردیف «هیولاهای نبود، بلکه هشدار به این بود که شر هولناک می‌تواند از رهگذر تسلیم فکری، اطاعت بی‌چون و چیرا از دستورات و فقدان ظرفیت قضاوت فردی تحقق یابد. گزارش او از دادگاه آیشمن، به‌رغم جنجال‌های



خاستگاه‌های توتالیترسیم



حیات ذهن



وضعیت بشر



میان گذشته و آینده

خواندن آثار هانا

آرنت تجربه‌ای است که بین فلسفه و تاریخ، بین فرد و جمع حرکت می‌کند.

او ما را به پرسش وامی‌دارد: چگونه می‌خواهیم در این «میان» با یکدیگر زندگی کنیم؟ و آیا هنوز جایی برای آغازهای غیرقابل پیش‌بینی

سیاسی وجود دارد؟ آرنت نشان

می‌دهد پاسخ به این پرسش‌ها بسته به توان ما در تفکر مستقل، قضاوت مسئولانه و حاضر بودن در جهان مشترک است

پرشمارای که برانگیخت، یک هشدار فلسفی و سیاسی است: وقتی مردم از فکر مستقل دست می‌کشند و کار اداری جای قضاوت اخلاقی را می‌گیرد، نظام‌ها می‌توانند انسانیت را به سادگی نابود کنند. این شناسایی سازوکار «عادی شدن شر» یکی از بارزترین و تأثیرگذارترین خوانش‌های آرنت از تجربه مدرن است. اثر «آیشمن در اورشلیم»/ Jerusalem» (۱۹۶۳) بیش از آنکه درباره آیشمن باشد، درباره مخاطب امروز است. تأکید او بر «ابتدال شر» بیانگر این است که آیشمن، نمادی از هولناک‌ترین جنایت‌های تاریخی، بیشتر یک کارمند بی فکر بود تا هیولایی اهریمنی. آرنت نشان می‌دهد که شر لزوماً از نفرت شدید یا اراده نابودگر زاده نمی‌شود؛ گاه از تعلیق تفکر، بی‌اعتنایی به قضاوت اخلاقی و باور کورکورانه به «وظیفه» پدید می‌آید. منتقدین یادآور شده‌اند که او گاهی سخت‌گیرانه درباره رفتار رهبران یهودی سخن گفته و برخی جنبه‌های ساختاری ماشین مرگ را کمتر برجسته کرده، اما ارزش کتاب در دفاع محکمش از تفکر انتقادی در برابر قدرت‌های تمامیت‌خواه است.

فکر، قضاوت و «حیات ذهن»

آرنت هرگز فکر را در مقام فعالیتی خصوصی و جدا از سیاست ننگریست. در مجموعه ناتمام «حیات ذهن»/ The life of the mind» (۱۹۷۸) او کاوش در سه حوزه درونی انسان تفکر، خواستن، و قضاوت. را آغاز می‌کند تا نشان دهد اندیشه فردی چگونه شرط امکان قضاوت عمومی و مسئولیت اخلاقی است. تفکر نزد آرنت گفت‌وگوی درونی است که نقد را از «ناگاهی خودکار» بیرون می‌کشد؛ خواستن رابطه انسان با آینده را نشان می‌دهد و قضاوت سیاسی، توانایی قرار گرفتن در جایگاه دیگران است. اهمیت این اثر در آن است که سیاست معاصر را به پرسشی در باب «تفکر» تبدیل می‌کند: بدون اندیشیدن، جهان مشترک فرو می‌ریزد و سیاست به کار اداری تقلیل پیدا می‌کند.

درباره آزادی و کنش

کتاب «وضعیت بشر»- The Human Condition» (۱۹۵۸) ستون اصلی اندیشه آرنت درباره آزادی و کنش است. او در آن، سه‌گانه «کار/ساخت/کنش» را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد در جهان مدرن با سطره تکنیک و به حاشیه رقتن شرها عمومی. «کنش» خطر زوال یافته است. معرفی مفهوم «رایش» به انسان امکان می‌دهد جهان را از نو بیافریند؛ برای آرنت، رایش همان امید سیاست است: توانایی انجام کاری که پیش‌تر هرگز وجود نداشته

است. اهمیت اثر در تعریف سیاست در تقابل با خشونت و ضرورت است، هرچند تمایز سخت میان حوزه‌های عمومی و خصوصی بیچیدگی جوامع جدید را گاهی نادیده می‌گیرد. با این حال، تأکید او بر «ظهور» و «حضور» انسان در برابر دیگران یکی از ژرف‌ترین تبیین‌های فلسفی از آزادی سیاسی باقی مانده است.

درباره انقلاب خشونت

آرنت در کتاب «درباره انقلاب»/ On Revolution» (۱۹۶۳) به طور تطبیقی انقلاب‌های فرانسه و آمریکا را مقایسه می‌کند: انقلاب فرانسه را گرفتار «اجتماعی شدن سیاست» می‌داند (یعنی غلبه نیازهای بیولوژیک و اقتصادی)، و انقلاب آمریکا را نمونه‌ای از «تأسیس فضای آزادی» از طریق قانونگذاری. برای آرنت، اهمیت انقلاب نه در خشونت آغازین آن، بلکه در توانایی‌اش برای ایجاد نهادهایی است که کنش سیاسی را پایدار و مشترک نگه می‌دارند. از منظری انتقادی، خوانش آرنت از انقلاب فرانسه بیش از حد ساده شده به نظر می‌رسد؛ اما تحلیل او از نقش شوروا و نهادهای مشارکتی، همچنان در مباحث دموکراسی اهمیت دارد. به نظرم آرنت در این کتاب بیش از هر جا نشان می‌دهد که سیاست، به معنای واقعی، هنر استمرار و تداوم است، نه کنش ناگهانی و انفجاری. آرنت در جستار کوتاه «درباره خشونت/ On Violence» (۱۹۷۰) که یکی از مستق‌ترین و تندترین نوشته‌های اوست، «خشونت» را کاملاً از «قدرت» متمایز می‌کند: خشونت، به تعبیر آرنت، نشانه ضعف قدرت است نه قوت آن. قدرت از کنش جمعی و توافق شکل می‌گیرد، در حالی که خشونت رابطه‌ای اجباری و قووری است و نمی‌تواند جهان مشترک را پدیدآورد. این اثر ارزشمند است چون با صراحت نشان می‌دهد که زدودن مرز میان خشونت و قدرت، راه را برای توجیه سیاسی خشونت هموار می‌کند. نقد وارد بر کتاب آن است که گاهی بیچیدگی خشونت ساختاری خشونت نهفته در تا برابری‌های اقتصادی، جنسیتی، یا نژادی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما بنیان نظری آرنت همچنان برای تحلیل سیاست معاصر الهام‌بخش است.

ره‌اد فضای گسسته

«میان گذشته و آینده»/ Between Past and Future» (۱۹۵۳-۱۹۶۸)، مجموعه‌ای از جستارهای فلسفی است که در آن آرنت می‌کوشد بازاندیشی درباره اقتدار، تعلیم و تربیت، سنت، آزادی و مسئولیت سیاسی را از نو سامان دهد. او معتقد است جهان مدرن با «فقدان سنت» روبه‌رو است و هشداردهنده‌اند.

آدمی در فضای گسسته میان گذشته‌ای که دیگر معتبر نیست و آینده‌ای که هنوز نیامده، رها شده است. این «میان‌بودگی» بستر اصلی تفکر سیاسی آرنت است: تفکر باید فاصله‌ای برای قضاوت ایجاد کند؛ فاصله میان خود و جهان.

این اثر یکی از خواندنی‌ترین نوشته‌های آرنت است، چون اندیشه او در قالب جستار، شفاف‌تر و زنده‌تر از هر زمان دیگر دیده می‌شود. با این حال، گاه ارجاع او به گذشته یونانی به نوعی نوستالژی سیاسی نزدیک می‌شود. اما قوت کتاب در آن است که بحران‌های مدرن بویژه بحران اقتدار و آموزش‌هنوز با زبانی دقیق در آن بیان شده‌اند.

قوت‌ها و محدودیت‌ها

نقطه قوت آرنت در آن است که مسائل سیاسی را از منظری عمیقاً فلسفی و هم‌زمان تاریخی می‌خواند: سیاست بی‌ارتباط با تجربه زیستی انسان نیست و اندیشه فلسفی می‌تواند ابزار آشکاری برای بازخوانی بحران‌های مدرن باشد. با این حال، نقدهایی نیز بر او وارد است: برخی او را در قضاوت‌هایش نسبت به قربانیان تاریخی سرد و گاه کم‌احساس یافته‌اند؛ دیگران پرسیده‌اند که آیا مفهوم «جهان مشترک» او برای جوامع پیچیده و چندصدایی معاصر کافی است یا اینکه بیش از حد ایدئال‌گرا نیست؟ همچنین بحث‌برانگیز بودن تشخیص «ابتدال شر» نشان می‌دهد که خوانش آرنت از مسئولیت اخلاقی و تبیه سیاسی هنوز میدان مناقشه است.

اندیشه‌ای برای عمل

خواندن آثار هانا آرنت تجربه‌ای است که بین فلسفه و تاریخ، بین فرد و جمع حرکت می‌کند. او ما را به پرسش وامی‌دارد: چگونه می‌خواهیم در این «میان» با یکدیگر زندگی کنیم؟ و آیا هنوز جایی برای آغازهای غیرقابل پیش‌بینی سیاسی وجود دارد؟ آرنت نشان می‌دهد پاسخ به این پرسش‌ها بست به توان ما در تفکر مستقل، قضاوت مسئولانه و حاضر بودن در جهان مشترک است. آرنت در فیلسوف نظام‌ساز است و نه مورخی معمولی؛ او اندیشمندی است که فلسفه را ابزار روشن کردن تجربه سیاسی می‌داند. آثار او متنوع و گاه متفاوت در کیفیت‌اند، اما خواننده آنها بویژه «خاستگاه‌های توتالیترسیم» و «وضعیت بشر» برای فهم سیاست مدرن ضروری است. در زمانه‌ای که نهادهای دموکراتیک تحت فشار قرار دارند، فضای عمومی قطعه‌قطعه می‌شود و فناوری‌های نوین امکان‌نا جدیدی برای حذف و فراموشی فراهم می‌آورند، آرای آرنت همچنان پگر و هشداردهنده‌اند.

تأکید می‌کند که از این نوع روایت هدف دیگری را دنبال می‌کرده است: نشان دادن فاصله میان ابتدال ظاهری رفتار آیشمن و عظمت جنایتی است که ساختار حکومتی توتالیتر سبب وقوع آن شد.

دادگاه، حکم و مسأله مسئولیت

در فصل چهاردهم با عنوان «شواهد و شهود»، آرنت روایت می‌کند که شهادت‌ها چگونه میان روایت‌های شخصی و روایت حقوقی فاصله ایجاد می‌کرد. برخی از شاهدان، بویژه بازماندگان کتوها و اردوگاه‌ها می‌خواستند داستان خود را بگویند و این حق آنها بود، اما افاضیان بارها تأکید می‌کردند باید بر نقش آیشمن تمرکز کرد، نه بر تاریخ کلی رنج‌ها. آرنت این تعارض را با لحنی بی‌طرفانه ثبت می‌کند. عجیب آنکه «بخش اعظم شهود، بی‌واسطه و نقر، اهل لهستان و لیتوانی بودند که صلابت و اختیارات آیشمن در آن دو کشور تقریباً صفر بود.» البته از مناطقی همچون گتوی سالخورده‌گان در قلمرو رایش نیز افرادی حاضر شده بودند که آیشمن در آنها قدرت چشمگیری داشته است.

در فصل پانزدهم «حکم دادگاه، تجدید نظرخواهی و اعدام»، آرنت با جمع‌بندی پرونده و همچنین شرحی از آخرین مآه‌های جنگ می‌پردازد که آیشمن هیچ کاری برای انجام دادن نداشته است و همچنین آخرین سال‌ها و روزهای زندگی‌اش. با آنکه آرنت منکر جنایات آیشمن نمی‌شود اما از او با عناوینی چون شیطان سادستی و هیولا یاد نمی‌کند. درنهایت دادگاه، حکم به اعدام او می‌دهد، بر این اساس که اطاعت از قانون نازی نه عذر است و نه تخفیف‌دهنده مسئولیت. آیشمن، برخلاف ادعاهایش، فعالانه در مسیر پیشبرد عملیات مشارکت کرده بود. او که معتقد بود «به معنایی که در کفرخواست آمده، گناهکار نیستم.» درنهایت با آرامش مرگ را بپذیرفت و بدون آنکه بگذارد چشمانش را ببوشاند پای چوبه‌دار رفت. در آخر شاید بتوان انبطور تلقی کرد که آرنت با نوشتن این کتاب کوشیده نشان بدهد چگونه یک فرد عادی با اطاعت کورکورانه می‌تواند در مرکز جنایتی قرار گیرد که جان میلیون‌ها انسان را از میان ببرد و این همان ابتدال شر است: چیزی که آرنت بارها به وقوعش هشدار داده است.



آیشمن در اورشلیم

گزارشی در باب ابتدال شر

- نویسنده: هانا آرنت
- مترجم: زهرا شمس
- انتشارات: نشر برج
- تعداد صفحات: ۳۷۶ صفحه
- قیمت: ۴۵۰۰۰۰ تومان

منظورشان منطقه عظیمی بود که لهستان، کشورهای حوزه دریای بالتیک «لیتوانی، لتونی و استونی» و مناطق اشغال روسیه را دربرمی‌گرفت. «و شرق صحنه اصلی صایبایی بود که نازی‌ها سبب شدند؛ پایانه مخوف تمام اخراج‌ها، جایی که تقریباً فرار از آن ممکن نبود. فصل سیزدهم، «مرکز گشتار در شرق» درباره همین منطقه و یکی از دردناک‌ترین فصل‌های کتاب است. آرنت در اینجا نشان می‌دهد چگونه عملیات در لهستان و مناطق اشغالی شوروی، از همان ابتدا با هدف نابودی کامل جمعیت اجرا شد: در شرق، از همان روز اول اشغال، ساختارهای نظامی و امنیتی به‌گونه‌ای طراحی شدند که گشتار صنعتی را امکان‌پذیر می‌کردند. آیشمن اگرچه در این مناطق حضور عملی نداشت، اما از طریق گزارش‌های مکتوب، جلسات هماهنگی و صدور مجوزهای انتقال، در ساماندهی این روند سهم داشت. آیشمن هیچ‌گاه درباره محتوای گزارش‌ها سؤال نکرد؛ او فقط از این می‌پرسید که «آیا انتقال انجام شد؟» یا «ظرفیت قطارها چقدر است؟» و همین بی‌تفاوتی او را در مرکز جنایت‌ها قرار می‌داد. با وجود این برخی منتقدان معتقدند آرنت با تمرکز بر جنبه‌هایی اداری، بر شدت خشونت و جنایاتی که سبب شده، سرپیوش می‌گذارد. هرچند او



هانا آرنت در کتاب آیشمن در اورشلیم

شرحی مستند از تضاد بین وظیفه اداری و مسئولیت اخلاقی ارائه می‌دهد

ایستاده در برابر همه‌ها

آмос ایلون، نویسنده و روزنامه‌نگار در پیشگفتار کتاب، شرحی از واکنش‌های تند و گزنده جهانی به انتشار «آیشمن در اورشلیم» آورده است: واکنش‌هایی که چیزی کمتر از تکفیر نبودند. ایلون توضیح می‌دهد چگونه آرنت، روشنفکر یهودی-آلمانی، بلافاصله پس از انتشار کتابش به خصوص از سوی هسته ذی‌نفوذ یهودیان در آمریکا به خیانت، بی‌رحمی و حتی دشمنی با قوم خود متهم شد. منتقدان گازی با استدلال آرنت نداشتند، بلکه با برچسب‌گذاری‌های احساسی و سیاسی به او حمله کردند، به نظرشان آرنت خط قرمزی را شکسته بود که نباید نزدیکش می‌شد. خشم مخالفان از آن بود که آرنت از روایت غالب فاصله گرفت و از واژه‌ها و تصاویری استفاده کرد که برای بسیاری غیرقابل قبول بودند. اما در اروپا، سقوط توتالیترسیم کمونیستی در تجدید علاقه به کتاب آرنت سهیم بود. این پیشگفتار خواننده را آماده می‌کند تا بداند کتابی که در دست دارد، فقط گزارش یک دادگاه نیست؛ حاصل ایستادگی یک نویسنده در برابر موجی از داور‌های سیاسی و اخلاقی است. فصل اول کتاب با روایت ورود آرنت به دادگاه و توصیف فضای «سرای عدالت» آغاز می‌شود؛ او صحنه حضور آدولف آیشمن را در فقس شیشه‌ای این گونه توصیف کرده: «موسط القامه است و قلمی و میانسال؛ موهای جلوی سرش ریخته، دندان‌هایش بدقواره و چشمانش نزدیک‌بین‌اند و در طول محاکمه کردن تحیفش را مدام به

سمت جایگاه قضات دراز می‌کند (حتی یک‌بار هم رو به سوی حضار نمی‌چرخاند) و به‌رغم تنگ عصبی‌ای که هانش باید آن شده باشد، از سراستیصال اما اغلب با موفقیت بر خود مسلط است.» آنچه آرنت را حیرت‌زده کرد نه وضعیت ناماشی دادگاه، بلکه خود آیشمن بود؛ رفتار کنترل‌شده، چهره بی‌هیجان و گفتاری اغلب تهی از خشم یا دشمنی.

مواجهه دوگانه در محاکمه آیشمن

آرنت از گفت‌وگوهای قضات و شیوه اداره جلسات چنین برداشت می‌کند که تلاش اصلی‌شان تمرکز بر نقش شخصی آیشمن است، نه تبدیل محاکمه به نمایش رنج یک ملت. اما در پس این تلاش حقوقی، واقعیتی دیگر هم وجود داشت: دادستانی، بویژه کیدئون هاوزر، می‌خواست روایت تاریخی جامع‌تری ارائه دهد؛ روایتی که از وین ۱۹۳۸ (ماجرای مهاجرت اجباری یهودیان) تا کنوهای شرق و اردوگاه‌های مرگ امتداد یابد. آرنت با دقت این دوگانه را ثبت می‌کند: دادگاه در پی تعیین مسئولیت فردی است، و دستگاه دادستانی در پی بازگویی سرگذشت یک ملت. در فصل «متهم»، نگاه آرنت به شخصیت آیشمن دقیق‌تر می‌شود. او در همان روزهای اول دریافت: آیشمن نه یک نظریه‌پرداز نازی است و نه فردی با انگیزه‌های عمیق ایدئولوژیک، بلکه ویژگی اصلی‌اش توانایی در فکر کردن در مواجهه با دستورات است. آیشمن،

از تصمیم‌های اداری تا راه‌حل نهایی

آرنت از فصل چهارم تا دوازدهم، مسیر منتهی به «راه‌حل نهایی» (برنامه آلمان نازی برای کشتار جمعی یهودیان) را با جزئیات اداری، جغرافیایی و انسانی دنبال می‌کند. نویسنده در فصل‌های «اولین